روزنه

محمدرضا باهنر:

بخشی از خانواده انقلاب ضدانقلاب هستند

● **امیدنامه:** محمدرضاباهنر درباره ممنوع‌التصویری رئیس دولت اصلاحات گفت: «ببینید بحث نظر شخصی من مطرح نیست، ما یک‌سری مسائل ملی داریم که باید حواسمان به آنها باشد. مشکلی که ما داریم این است که اگر کسی کاره‌ای بشود یا نشود، فکر می‌کند همه‌کاره است. باید در کشور تقسیم کار باشد و این تقسیم کار را براساس قانون اساسی به رسمیت بشناسیم. ما که نماینده بودیم، شاید ۱۵ درصد نامه‌هایی که مردم برای ما می‌نوشتند درباره قوه قضائیه بود. ما به آنها می‌گفتیم ما در قوه قضائیه هیچ نفوذی نداریم و نهایت این بود که نامه بنویسیم که آقای قاضی محترم، شما دقت کنید. من به وزیر می‌توانستم بگویم چرا فلان کار را نکردی؛ اما به قوه قضائیه نمی‌توانستم؛ جالب است که از نظر ساختار قضائی حتی رئیس قوه هم نمی‌تواند حکمش را به قاضی تحمیل کند. یک‌سری تصمیمات هم در کشور ما این‌طور است؛ اگر قوا یکدیگر را قبول نداشته باشند که نمی‌شود».

او درباره آخرین‌باری که خاتمی را دیده است، گفت: «آخرین‌بار در یک جلسه ختم بود؛ اما آخرین روز که با ایشان کار کردم، در مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و ما نشستی نداشته‌ایم که بنشینیم با هم صحبت کنیم یا گپی بزنیم. من با آقای خاتمی یک خاطره خوب دارم: در جلسات آخر حضور او در مجمع، صحبتی کرد و من در دفاع از ایشان صحبت کردم (شاید هم من پیشنهادی داده باشم و ایشان حمایت کرده باشد، دقیق یادم نیست) پیشنهاد ایشان مخالف زیاد داشت؛ اما با همکاری من و آقای خاتمی، رأی آورد، بعد که می‌خواستیم از مجمع بیرون بیاییم، آقای خاتمی به من گفت باهنر ما خیلی خوب با هم می‌توانیم کار کنیم و من گفتم بله؛ اما حیف دیگر آخر دوره است، اگر زودتر متوجه می‌شدیم، بهتر بود».

او در واکنش به این سؤال که از برخوردهایی مانند حصر که از سوی نظام رخ داده، نترسیدید قطارش به شما برسد، گفت: «می‌رسد و امکان دارد برسد؛ اما این به برخوردها هم برمی‌گردد؛ برای مثال در آمریکا از دو سال قبل بحث ریاست‌جمهوری مطرح است. در یک رقابت حزبی خانم کلینتون از آقای سندرز جلو افتاد و تصمیم بر این شد که خانم کلینتون بماند؛ اما آقای سندرز نمی‌خواست کناره‌گیری کند. چند روزی در صحنه ماند؛ اما در نهایت مجبور شد به نفع کلینتون کنار برود و از او حمایت هم کند. اصلا این‌طور نیست کسی یکهو بزند زیر همه‌چیز. همه‌چیز حساب‌وکتاب و مقررات دارد. یک زمانی دوستان اصلاح‌طلب در مجلس ششم، فکر می‌کردند با رأی‌دادن، می‌توانند همه نهادهای نظام را تسلیم خود کنند؛ اما دموکراسی در همه‌جا بی‌حدومرز نیست. در یک جمله شما هیچ قانون اساسی‌ای در دنیا نمی‌بینید که مخالف نظام حاکم و مخالف رئیس‌جمهوری و مجلس باشد. در انگلستان کسی را نمی‌بینید که بگوید من مخالف مشروطه سلطنتی هستم؛ ولی می‌خواهم به مجلس بروم. شما فکر می‌کنید کسی که نظام حاکم بر انگلیس را قبول ندارد، اجازه ورود به مجلس را پیدا می‌کند؟ اصلا اجازه شرکت‌کردن در انتخابات را به او می‌دهند؟ مثل این می‌ماند که بگوید ملکه را قبول ندارد؛ قطعا پاسخ این است که غلط کرده‌ای، ملکه را قبول نداری، چون ملکه تو را قبول ندارد. بنده اگر اپوزیسیون نظام شدم، باید پی اعدام هم به تنم بمالم. به هر دلیل اعتقادی، قدرت و هرچیزی می‌خواهم علیه نظام کار کنم، خب معلوم است که این چیزها را هم دارد. قبل از انقلاب ما علیه شاه کار می‌کردیم و اعدام و تبعید هم داشتیم. اشکالی ندارد، اگر کسی می‌خواهد علیه نظام کار کند، باید آماده همه‌چیز باشد. اینکه بگوییم فرش قرمز پهن کنید که من می‌خواهم علیه نظام کار کنم که نمی‌شود». او در پاسخ به این سؤال که فکر نمی‌کنید این‌دست اقدامات و برخوردها ممکن است شکافی در خانواده انقلاب ایجاد کند، گفت: «بله ایجاد می‌کند. صریح می‌گویم بخشی از خانواده انقلاب، ضدانقلاب هستند. خب چه کار باید کرد؟ تعارف نداریم، کشوری هست که اجازه دهد مخالف نظام قانونی کشور کار کند؟» او درباره عارف هم گفت: «آقای عارف سرمایه اجتماعی خوبی دارد و من فکر می‌کنم در تصمیمات مجلس ایشان خیلی مؤثر خواهند بود. شما ببینید الان کسانی که در مجلس ما اصلاح‌طلب نیستند، ۱۹۰ نفر هستند». درباره حمایت از روحانی هم گفت: «هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌ایم؛ اینکه ما از روحانی حمایت می‌کنیم یا نه، در این رابطه است باید ببینیم در جمیع جهات آیا از روحانی بهتر پیدا می‌کنیم یا نه. ممکن است پیدا کنیم و ممکن است، نکنیم». درباره احمدی‌نژاد هم گفت: «احمدی‌نژاد را هم داریم رصد می‌کنیم، خودش هم می‌گوید من کار انتخاباتی نمی‌کنم؛ اما دارد کار انتخاباتی می‌کند و کسی باورش نمی‌شود. از این جهت ما درباره او هم در شرایط مقایسه‌ای تصمیم می‌گیریم و هیچ‌چیز الان مطلق نیست». باهنر با اشاره به اینکه الان دیگر دوره چهره کاریزماتیک هم گذشته است. افزود: «فکر می‌کنید آقای روحانی یا احمدی‌نژاد چهره کاریزماتیکی دارند؟ من با آقای روحانی ۱۶ سال در مجلس همکار بودم؛ اما ایشان را چهره کاریزماتیکی نمی‌دانم».

رامین‌ها از هم تبری می‌جویند

ادامه از صفحه اول

این شایعات این روزها دوباره با خبر ممنوع‌الخروجی یاسین رامین در هفته گذشته قوت بیشتری گرفته است. بهانه گفت‌وگوی «رامین پدر» هم با خبرگزاری فارس همین خبر بوده است. درحالی‌که گفته می شود ورود یاسین به ماجرای واردات دارو و حواشی آن در دولت احمدی‌نژاد به‌واسطه استفاده از رانت و رابطه پدر بوده؛ اما رامین به فارس گفته است: «ایشان حدود ۱۸ سال است که مستقلا در تأمین معیشت و هزینه تحصیلات خودش تلاش کرده و می‌کند و بنده سال‌هاست که در امور شخصی و شغلی ایشان چندان ورودی ندارم و امور زندگی خانوادگی‌شان را حریم خصوصی خودشان می‌دانم». رامین با اشاره به سابقه زندانی‌شدنش در اروپا در سال ۶۱ گفته که بابت آن هیچ پرونده‌ای به عنوان «آزاده» یا «جانباز» ندارد. مدعی شده که این دولت حدود یک سال حقوق دانشگاهی‌اش را نپرداخته و او شکایتی نکرده است. رامین در نهایت ماجرای ممنوع‌الخروجی پسرش را یک «اختلاف مالی» دانسته و گفته که: «یا باید طرفین اختلاف، مسئله را خودشان حل کنند و یا باید هر طرف اسناد خودش را به دادگاه صالح اسلامی عرضه کند تا به این قضیه رسیدگی شود». هفته گذشته باشگاه خبرنگاران نوشت که یاسین رامین، همسر مهناز افشار ممنوع‌الخروج شد. سیدامیر محسن‌ضیایی، رئیس جمعیت هلال احمر در حاشیه امضای تفاهم‌نامه همکاری جمعیت هلال احمر و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی در جمع خبرنگاران با اعلام اینکه دادستانی تهران به‌طور ویژه در حال بررسی پرونده متهم شرکت رشد هلال احمر است که هم‌اکنون منحل شده، گفته بود: «این متهم تا اطلاع ثانوی ممنوع‌الخروج است و ما منتظر اعلام نتیجه این دادگاه هستیم». اردیبهشت‌ماه هم ضیایی، درباره آخرین وضعیت پرونده شرکت دارویی رشد و تخلف یک آقازاده، گفته بود: «شرکت رشد از نظر جمعیت هلال احمر فعالیتی ندارد و خیلی وقت است که فعالیتش متوقف شده است. موضوع شرکت رشد دارای دو بخش است که برای بخش اول آن اقدام قضائی صورت گرفته؛ اما برای بخش دیگر فعلا اقدامی صورت نگرفته است؛ چراکه از نظر قوانین آلمان این شرکت متعلق به هلال احمر نیست؛ بلکه به نام این آقازاده ثبت شده است. شاید این فرد به تعهدات خود عمل کند و ما نیز موضوع را دیگر پیگیری نکنیم؛ چراکه اکنون به پای میز مذاکره با رئیس سازمان تدارکات پزشکی نشسته و صحبت‌های خوبی نیز میان آنها انجام شده است». ضیایی در مورد علت اختلاف هلال‌احمر با «ی.ر» گفت: درواقع جمعیت هلال احمر تعدادی تجهیزات پزشکی از یک شرکت خارجی به مبلغ دو میلیون یورو خریداری کرده بود که این مبلغ را به شرکت رشد داد تا به عنوان واسطه به شرکت فروشنده تحویل دهد اما متأسفانه این اتفاق رخ نداد». وی با بیان اینکه ما اکنون بدهکار آن شرکت خارجی هستیم، گفت: «این بدهی هنوز تسویه نشده و در تبادلات مالی وجود دارد و از آنجایی که ما فعالیت‌های زیادی به صورت مشترک با این شرکت انجام می‌دهیم هنوز این شرکت شکایتی از ما نکرده است اما ما باید این مبلغ را به آنها پرداخت کنیم».

ماجراهای خانم صفاوردی

خانواده رامین، پرحاشیه و فعال است. به جز پدرشوهر، عروس و پسر بزرگ خانواده، همسر محمد علی رامین، سوسن صفاوردی هم فرد شناخته‌شده‌ای است. او استاد دانشگاه است و نامزد انتخابات مجلس دهم از تهران بود که رد صلاحیت شد. قبل از آن، زمزمه‌هایی مبنی بر قرارگرفتن نامش در فهرست اصولگرایان هم مطرح شده بود، اگرچه به نظر می‌رسد حتی در صورت تأیید صلاحیت هم به خاطر نوع نگاه و انتقاداتش به اصولگرایان به ویژه در حوزه زنان، احتمال قرارگرفتن نامش در فهرست نهایی بسیار ضعیف باشد. به عنوان نمونه درباره تصویب لایحه خانواده دولت و مجلس قبلی و همراهی زنان اصولگرا با این لایحه گفته بود: «چرا خودشان تشریف نمی‌برند خانه؟ اگر به این رسیده‌اند که شأن زن در این حفظ می‌شود که در خانه باشد، استعفا بدهند بروند در خانه بنشینند تا عملا این را نشان بدهند. مشکل ما از نگاه‌های کلیشه‌ای نشئت می‌گیرد». او در آلمان و در ۱۹ سالگی با رامین آشنا می‌شود و با هم ازدواج می‌کنند. سال ۱۹۹۵ بعد از ۱۷ سال زندگی در آلمان به همراه همسر و فرزندانش به ایران بازگشت، او هنوز هم ترجیح می‌دهد پشت تلفن با اعضای خانواده‌اش گاهی به جای فارسی، آلمانی صحبت کند. خانم صفاوردی به گفته خودش معمولا شبکه خبر خودمان،ZDF آلمان و بعضی اوقات هم VOA و BBC را می‌بیند چون: «معتقدم نباید تک‌بعدی با مسائل روبه‌رو شوم». او سابقه عضویت درهیأت علمی دانشگاه آزاد، مسئولیت امور زنان مجمع جهانی اهل بیت، عضویت شورای مرکزی شبکه سازمان‌های غیردولتی زنان و همچنین همکاری معاونت زنان را در کارنامه خود دارد. او گفته بود که شدیدا از این ابا دارم که به عنوان همسر آقای رامین معرفی یا به کس دیگری منسوب شوم. من یک شخصیت حقیقی هستم که سال‌ها هم در این مملکت کار کرده‌ام و دیدگاه خودم را دارم». او درباره برخوردهای همسرش با مطبوعات در دولت احمدی‌نژاد هم گفته بود: «واقعیت این است که کسی که در بدنه دولت قرار می‌گیرد خیلی ملاحظات دارد. من از اصحاب رسانه تعجب می‌کنم که این را در نظر نمی‌گیرند». او همچنین از سابقه آشنایی‌اش با کروبی که امام جماعت مسجد محله‌شان در شمیران و اینکه گاه طرف مشورت او بوده هم گفته بود.

عکس: مهدی حسنی

منکر هولوکاست، منکر سفر به ماه

محمدعلی رامین متولد سال ۱۳۳۲ درمحله پیرنظر؛ نزدیک بازار قدیم و نزدیک مسجدجامع شهر دزفول است. مدت‌ها در آلمان بوده و آن‌طور که خودش گفته است آنجا زندانی هم شده است. یک مثنوی بسیار طولانی دارد که در توضیحات زیر آن در سایتش نوشته است در تیرماه ۱۳۶۱ در اسارتگاه غرب و در زندان تاریخی شهر تسوای بروکن آلمان سروده شده است. همانجا هم ازدواج می کند. رامین بعد از بازگشت به ایران از ابتدای سال ۷۴ تا اواخر سال ۸۵، در صداوسیما بود. مدعی است که به دعوت احمد پورنجاتی برای همکاری در راه‌اندازی شبکه چهار سیما وارد سازمان شده و مقدمات بحث هولوکاست را آنجا پی‌گرفته است: «یکی از کسانی که از فروردین ۷۴ موضوعات جهان غرب، ساختار ایالات متحده آمریکا و تاریخ شکل‌گیری آن، روابط تعارض‌آمیز اروپایی‌ها با همدیگر، پشت صحنه ماجراهای جنگ اول و دوم، مباحث صهیونیسم، چگونگی شکل‌گیری و راهکار فروپاشی اسرائیل را به‌طور مستند مطرح کرد، بنده بودم». بعد هم مدعی شده که رفتن به کره ماه از بلوف‌های آمریکایی‌ها بوده است: «یکی از آن بلوف‌ها ادعای رفتن به کره ماه بود. یک فیلم مستند نشان می‌دهد، صحنه فرود آپولوی۱۱ در کره ماه دروغین است و در یک استودیوی فیلم‌برداری در آمریکا تهیه شده و بعدها تمام افراد دخیل در آن صحنه‌پردازی، یکی‌یکی کشته شدند». اما درباره ماجرای خروجش از صداوسیما هم گفته است: «یادم هست که جناب مهندس ضرغامی با رفتن من از صداوسیما جدا مخالف بودند و مرا به عنوان دوست و مشاور خود کریمانه مورد محبت قرار می‌دادند؛ ولی من دیگر از کارکردن در سازمان خسته شده بودم». شش ماهی هم مدیرکل فرهنگی سازمان میراث فرهنگی بود، اما از آنجا به پیام نور رفت. این ظاهر ماجرا بود و رامین همان‌طور که خودش گفته در دولت نخست احمدی‌نژاد نقش یک عنصر فکری را داشته و نقطه اوج آن هم ماجرای هولوکاست است: «اصولا خودم را هیچ‌وقت یک مدیر اجرائی نمی‌دانسته‌ام و تجربه هم به من نشان داد که یک عنصر انقلابی در فرایند اداری سازمان‌ها و دستگاه‌های مدیریتی به‌شدت فرسوده و خسته می‌شود».

هاشمی‌ستیز متقدم، هاشمی‌ستیز متأخر

شأن خود را در هاشمی‌ستیزی اجل از احمدی‌نژاد می‌داند و برای خود سابقه تقدمی در این دعوا قائل است. برای همین گفته: «از خصوصیات خانواده دکتر احمدی‌نژاد این بود که به‌شدت طرفدار هاشمی بودند و در همه جلسات، سر هاشمی بحث داشتیم. احمدی‌نژاد از سال ۸۰ به بعد، خط خود را جدا کرد، اما داوود و خانواده، قرص، پشت هاشمی بودند». او در انتخابات سال ۸۴ ابتدا طرفدار علی‌اکبر ولایتی بود و در ستاد انتخاباتی او در کمیته سیاسی و تبلیغاتی فعال بود. هدفش هم فقط یک چیز بود، نیامدن هاشمی: «برای اینکه ایشان در صحنه بماند و مقابل هاشمی‌رفسنجانی بایستد و تا آخرین روز ثبت‌نام انتخاباتی سال ۸۴ نیز تلاش کردم تا از مرحوم حاج‌آقا مجتبی تهرانی مجوز یا تأیید ماندن ایشان در انتخابات را بگیرم (چون این شرط دکتر ولایتی برای ماندن در صحنه بود) که موفق نشدم؛ با چند نفر از دوستان آقای دکتر ولایتی، آن ظهر جمعه به منزل مرحوم استاد تهرانی رفتیم، ولی ایشان نپذیرفتند و فرمودند نظرم همان است که قبلا به خود ایشان گفته‌ام. از آنجا ناامید برگشتیم و کمیته‌ای را که مسئولیتش را بر عهده داشتم، منحل کردیم». بعد از آن است که سراغ احمدی‌نژاد می‌رود: «من با احمدی‌نژاد از همان ابتدا هماهنگی و همفکری کامل داشتم، بعد از تشکیل ستادهای ولایتی، من با احمدی‌نژاد دیدار داشتم و گفتم بهتر است آقای ولایتی به ریاست‌جمهوری برسد، اما احمدی‌نژاد قاطعانه گفت هاشمی وارد می‌شود و ولایتی کناره‌گیری می‌کند که من هم گفتم اگر این‌طور شود، من همه‌جا به شما کمک می‌کنم». همین‌طور هم شد. او گفته است: «شب انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ ما تا نیمه‌شب خدمت دکتر احمدی‌نژاد بودیم. آن زمان نتیجه آرا مشخص شده بود و معلوم شد که او رئیس‌جمهور شده و به ایشان عرض کردم که اگر گفتی «امام خامنه‌ای» عاقبت‌به‌خیر می‌شوی». به گفته رامین، ثمره‌هاشمی، بذرپاش، علی احمدی، زریبافان، چمران و چند نفر دیگر، حاضران آن جلسه بودند.

محمدعلی رامین: پسرم حدود ۱۸ سال است که مستقلا در تأمین معیشت و هزینه تحصیلات خودش تلاش کرده و می‌کند و بنده سال‌هاست که در امور شخصی و شغلی ایشان چندان ورودی ندارم و امور زندگی خانوادگی‌شان را حریم خصوصی خودشان می‌دانم

پایان ماه عسل

محمدعلی رامین شباهت زیادی به خود احمدی‌نژاد دارد، هردو منکر خواستگاه اصولگرایی‌شان هستند؛ اما کنش‌های سیاسی‌شان آنها را در این جناح طبقه‌بندی می‌کند. بااین‌حال خودش گفته است: «بنده نه سخنگوی اصولگرایانم و نه طرفدار اصلاح‌طلبان، بلکه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان را غیرانقلابی می‌دانم». او خودش را افراطی نمی‌داند و گفته است: «تندرو کسی است که معیار ندارد و بی‌ضابطه عمل می‌کند و منطبق با اصول، قواعد و مبانی ثابت و شناخته‌شده عقلی یا شرعی حرکت نمی‌کند، چنین آدم بی‌ضابطه یا خارج از ضابطه‌ای «تندرو» و «افراطی» است». نام محمدعلی رامین برای نخستین‌بار در ماجرای همایش هولوکاست در دولت احمدی‌نژاد بود که توجهات را به سمت خود جلب کرد. او را تئوریسین آن ماجرا نام نهادند و حالا هم دبیرکل بنیاد جهانی «بررسی هولوکاست» است. او در گفت‌وگویی با هفته‌نامه صدا در پاسخ به این سؤال که محمدعلی رامین کیست؟ گفته است: «یکی از بندگان ناچیز خدا». در دولت دهم اما این عنصر فکری بدل به یک عنصر اجرائی و معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد شد. سمتی که پایان رابطه ماه عسل او و رئیس دولت بود. روزنامه‌نگاران برخوردهای قهری و ادبیات عجیب معاون وقت مطبوعاتی ارشاد را در دولت نهم به خوبی به یاد دارند. در دوره حدودا یک‌ساله‌اش در سمت معاونت مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم، اقدام به تعطیلی و سلب امتیاز مطبوعات متعددی کرد. ادبیات تند او هم زبانزد بود. یک مورد آن انتشار صوت گفت‌وگوی محمدعلی رامین در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو بود که خطاب به مجری صدای جمهوری اسلامی در یک برنامه زنده، گفت: «شما غلط می‌کنید از قول من این اراجیف را می‌گویید. شما غلط می‌کنی که اینها را مطرح می‌کنی». یک مورد دیگر آن هم خاطره‌ای است که بچه‌های روزنامه فرهیختگان دارند. حضور او در تحریریه با کم‌محلی اعضای تحریریه روبه‌رو شد. وقتی خبرنگاران به دوستان زندانی‌شان اشاره کردند، او به شدت عصبانی شد و درگیری لفظی پیش آمد. خودش در گفت‌وگو با «شرق» گفته است: گفتم اینجا روزنامه فرهیختگان است یا محل تجمع دلقک‌ها؟ آنها وقتی از قانون مطبوعات برایشان گفتم، مسخره می‌کردند که به ناچار آنجا را ترک کردم و در حال بیرون‌رفتن، به یکی از مسئولان روزنامه گفتم: من آن رفتار زشت را در هیچ کجا مطرح یا پیگیری نکردم؛ اما یک‌ونیم ساعت بعد، یکی از همان افراد روزنامه، به‌اصطلاح برای افشاگری، صدای مرا از تلویزیون آمریکا VOA پخش کرد و گزارش دیدار معاون مطبوعاتی از فرهیختگان را به آن شبکه ارائه داد. همین عملکرد آنها باعث عذرخواهی مدیرمسئول و اخراج تعدادی از آنها شد که متأسفانه بعدا به جرائم امنیتی زندانی یا متواری شدند. البته خود بنده هم به‌خاطر تحمل زیاد و عدم پیگیری آن ماجرا توبیخ شدم». یاسین رامین درباره عملکرد آن دوران پدرش در مصاحبه‌ای گفته بود: «مشخصا در جریان اعمال این سیاست‌ها در آن دوران بسیاری از روزنامه‌نگاران از کار بی‌کار شدند، خانواده‌های آنها متحمل رنج و زحمت شدند و این مسائل فراموش‌نشدنی است. من می‌خواهم بگویم به نوبه خودم از همه آنها عذرخواهی می‌کنم اما در آن شرایط هرکس دیگری هم معاون مطبوعاتی می‌شد، مجبور به اجرای آن سیاست‌ها بود». رامین پدر هم در پاسخ به انتقاداتی که در زمان تصدی او بر معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد شده و همین‌طور نقش تسهیل‌گری او در روند توقیف و لغو مجوز مطبوعات اصلاح‌طلب در مصاحبه‌ای گفته بود: «تمام این برخوردهای صریح فقط در چارچوب قانون شکل می‌گرفت. اگر واقعا در جایی به‌خاطر تقصیر یا قصور بنده، به کسی آسیب وارد شده، نه فقط باید از آن فرد دلجویی کنم، بلکه باید در حد توان جبران کنم؛ گرچه خارج از اراده من بوده، ولی وجدانا متأسف هستم». ماه عسل او و احمدی‌نژاد هم مانند بسیاری دیگر در دولت جدید دوام زیادی پیدا نکرد و ماه‌های آخر حضورش در ارشاد را در اتاق محقری سپری می کرد. او درباره رابطه امروزش با احمدی‌نژاد هم گفته بود: «رابطه فکری، عقیدتی و سیاسی‌مان با همان تلاقی و تقاطع ایشان در بحث ولایت فقیه منقطع شد. اگر تماسی براساس ضرورت پیش بیاید، مثل ارتباط سابق نیست». به نظر می رسد ماجراهای خانواده رامین به این زودی‌ها پایان نمی‌یابد.

دریچه

محمدرضا خباز:

احمدی‌نژاد بازجویی شد

● **شرق:** استاندار سمنان گفت: «به‌لحاظ فاکتور طرفداران، زمینه‌ای برای بازگشت احمدی‌نژاد فراهم نیست. نکته اساسی که در این زمینه به‌شدت حائز اهمیت بوده آن است که مجلس هشتم، شش پرونده تخلف برای رئیس دولت سابق درنظر گرفت و پرونده‌های او را با این مضمون به قوه قضائیه ارجاع داد و درحال‌حاضر قوه قضائیه مشغول رسیدگی به پرونده‌های اوست و معتقدم اگر به یکی از پرونده‌های او رأی داده شود، شخص احمدی‌نژاد نخواهد توانست حتی کاندیدا شود اما در این صورت، شرایط برای تبلیغ و فعالیت برای دیگران توسط او فراهم بوده زیرا او مخاطبانی در کشور دارد و ممکن است آنها از کاندیدای موردنظر او حمایت کنند». محمدرضا خباز در گفت‌وگو با «باشگاه خبرنگاران» در رابطه با سرنوشت پرونده اتهامات رئیس دولت سابق افزود: «احمدی‌نژاد فقط در برخی از جلسات دادگاه حضور پیدا نکرد. اولین احضار او به دادگاه در مجتمع قضائی تهران صورت گرفت و از آنجایی که عده زیادی از مردم و خبرنگاران در آنجا حضور داشتند و نسبت به او ابراز احترام و احساسات کردند شرایط برای بازجویی از او فراهم نبود، بنابراین بازجو جلسه نخست دادگاه را بدون بازجویی به جلسات آتی موکول کرد. در جلسات آتی دادگاه، احمدی‌نژاد از در خاصی به دور از چشم خبرنگاران و مردم وارد اتاقی خاص شد و درست در این زمان اولین بازجویی و رسیدگی‌ها اتفاق افتاد اما درباره اینکه آیا پرونده او آماده صدور حکم است یا خیر، اطلاعی ندارم». این نماینده اسبق مجلس ادامه داد: «معتقدم قوه قضائیه همان‌گونه که در تمام موارد دغدغه شفاف‌سازی را مدنظر دارد باید نسبت به این مقوله نیز شفاف‌سازی کند، مردم مایل هستند از نگاه قوه قضائیه به قدرتمندان و افراد عادی آگاهی پیدا کنند. بررسی تخلفات احمدی‌نژاد در قوه قضائیه با چراغ خاموش در حال رسیدگی است که معتقدم باید با چراغ روشن صورت بگیرد». خباز در تشریح شکایت از رئیس دولت‌های نهم و دهم گفت: «در همان شکایت اولیه علیه احمدی‌نژاد، ۱۰ قانون را لحاظ کردیم که او رسما از اجرای آنها چشم‌پوشی کرده، بعد از مدتی بررسی و پیگیری به این نتیجه رسیدیم که نمایندگان از کانال مجلس قادر به پیگیری و رسیدن به نتیجه در این زمینه نیستند و به عبارتی دیگر نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، زیرا در مجلس هشتم ما در اقلیت بودیم».